

# سراسری ۹۹ داخل کشور

## پاسخ نامه آزمون عمومی رشته تجربی

### زبان و ادبیات فارسی

۱- **گزینه** معنای صحیح واژه‌ها: شبهه: مانند، مثل، همسان، همانند - بعینه: عیناً، مانند - بسنده: سزاوار، شایسته، کافی، کامل - وِیله: صدا، آواز، ناله - فراز آمدن: رسیدن، نزدیک آمدن - گبر: نوعی جامه جنگی، خفتان، ازره]

با توجه به معانی نوشته شده در ۱، سه واژه (شبهه، بسنده، گبر) درست معنی شده است. در ۲ نیز، برای سه واژه (شبهه، بسنده، وِیله) معنای صحیحی ارائه شده است. در ۳، معنی ذکر شده برای دو واژه (بعینه، گبر) درست است و در ۴، معنای ارائه شده برای چهار واژه (شبهه، بسنده، فراز آمدن، خفتان) مناسب و صحیح است. در ۱، «دلاور» معنی واژه شیراوژن، در ۲ «کم‌عقلی» معنی واژه سفاقت و در ۳ «آراسته» معنای پدرام و «حصار» معنای دژ است.

۲- **گزینه** معنای صحیح واژه‌هایی که نادرست معنی شده‌اند: استحقاق: سزاواری، شایستگی (مستحق یعنی «شایسته») - توند: اسب، اسب تندرو - برافراختن: برافراشتن، بلند کردن («روشن کردن» معنی واژه برافروختن است.) - بر اثر: به دنبال (اثر به تنهایی به معنای «رد پا» است).  
۳- **گزینه** جسیم در این گزینه نادرست معنی شده که معنای صحیح آن، «خوش اندام» است.

۴- **گزینه** غلط‌های املائی به همراه شکل صحیح آن‌ها: **غیاث** ← **قیاس**؛ با توجه به معنی جملات اول متن، **قیاس** (مقایسه، استدلال و استنباط) صحیح و مناسب است (غیاث یعنی «فریادرس، فریادری»). **غربت** ← **قربت**؛ با توجه به این که در بخشی از متن، سخن از نزدیکی و تقرب و راه و وسیله تقرب به حق و خداوند است، **قُربت** (قُرب، تقرب، نزدیکی) صحیح است نه غربت (دوری از شهر و خانه، تنهایی). **زوالجلال** ← **ذوالجلال** (صاحب شکوه و عظمت، پروردگار صاحب جلال و عظمت)

۵- **گزینه** **رقبت** در این گزینه، با املائی نادرستی آمده که صورت صحیح آن، **رغبت** (میل و اراده، خواست) است.

۶- **گزینه** غلط‌های املائی یا رسم الخطی به همراه شکل درست آن‌ها:

- ۱- التهاب و برافروخته‌گی ← **برافروختگی** (نوشتن این کلمه به صورت «برافروخته‌گی» غلط رسم الخطی محسوب می‌شود).
- ۲- **عنابت** و **توبه** ← **انابت** (بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی)
- ۳- **انبان دَباقی** شده ← **دَباقی** (پاک کردن و پیراستن پوست حیوانات)

۴- **بارع** و **حصار** ← **باره** (با توجه به همراهی واژه حصار، **باره** «دیوار، قلعه» صحیح است).

۵- **بزم** و **ظیافت** ← **ضیافت** (سور، جشن، مهمانی)

۶- **بردمیدن** و **برخواستن** ← **برخاستن** (به پا شدن، شوریدن، خروشدن، پیداشدن)

۷- **گزینه** بیت «الف» از قلمرو فکری و بیت «ب» از قلمرو زبانی درس ششم (پرورده عشق) فارسی ۲ انتخاب شده‌اند و به ترتیب از نعمت‌الله ولی و سنایی هستند.

۸- **گزینه** بررسی آرایه‌ها در ابیات:  
«الف»: تشبیه: جام شراب [مانند] مرهم است - خورشید [مانند] مومیایی (دارو) است. / اسلوب معادله: در این بیت مصراع دوم مثالی برای مفهوم مصراع اول است و دو بیت استقلال دستوری دارند. پس اسلوب معادله داریم: جام شراب (خورشید)، مرهم (مومیایی)، دل‌های خسته (ماه شکسته) است.

«ب»: جناس: تنگ و چنگ (ناهمسان) / تشبیه: شراب گلرنگ به ستاره سهیل که سرخ‌رنگ است تشبیه شده. - در شراب گلرنگ هم تشبیه داریم: شرابی که رنگ آن شبیه رنگ گل سرخ است.

«ج»: تلمیح: به داستان عاشق شدن زلیخا بر حضرت یوسف علیه السلام / ایهام: ندارد.

«د»: حس آمیزی: دشنام شیرین است (آمیختن شنوایی و چشایی) - روح شیرین‌تر از آب گهر است - روح تلخ (آمیختن مفهوم با حس چشایی) - ایهام تناسب: در بیت «د» می‌توان واژه «آب» را دارای ایهام تناسب دانست: آب در معنای طراوت و درخشندگی در بیت قابل جای‌گذاری است، ولی در معنای مایع حیات بخش (معنای غیر قابل قبول) با بحر تناسب دارد.

با توجه به توضیحات بالا می‌توان گفت سؤال بیش از یک پاسخ درست دارد.

۹- **گزینه** بررسی آرایه‌های «ایهام، تناسب، تشبیه و استعاره» در بیت ۳

ایهام: نگران: ۱- بیننده و تماشاگر ۲- مضطرب که در هر دو معنی در بیت قابل جای‌گذاری است.

ایهام تناسب: باز: این واژه در معنای «دوباره» در بیت به کار رفته است، ولی در معنای پرنده شکاری، باز با کبوتر و شاهین تناسب دارد. تشبیه: مرغ دل (اضافه تشبیهی) - در واژه کمان‌ابرو هم تشبیه وجود دارد: ابرویی که همچون کمان خمیده است.

استعاره (مصرحه): کبوتر استعاره از دل عاشق و شاهین استعاره از معشوق است.

در ۱ ایهام، در ۲ تشبیه و ایهام و در ۳ استعاره و ایهام دیده نمی‌شود.



۳ و ۴- خاک نعل مَرکب او

مضاف‌الیه مضاف‌الیه  
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱- قوت جان حافظ ۲ و ۳- خنده زیر لب او  
مضاف‌الیه مضاف‌الیه  
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۳ ۱ و ۲- صورت ابروی دلگشای تو

صفت مضاف‌الیه  
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۳- گشاد کار من

مضاف‌الیه  
مضاف‌الیه

۴ ۱ و ۲- شرح شکن زلف خام‌اندرخم جانان

مضاف‌الیه مضاف‌الیه صفت  
مضاف‌الیه مضاف‌الیه

۱۴- گزینه ۲ برای هر دو واژه «دبیر» و «دیوان» می‌توان

توجهی آورد تا نظرم‌ان به نظر طراح کنکور نزدیک شود:

دیوان: معانی پیشین: صورت حساب، محلّ انجام صورت حساب، دفتر -

معنای جدید: مجموعه اشعار یک شاعر

دبیر: معنای پیشین: نویسنده و منشی دربار - معنای جدید: معلم

دوره متوسطه

۱۵- گزینه ۲

من غیر از تو کسی [را] یار نگیرم (= انتخاب نمی‌کنم)

مفعول مسند

آری، همت آن است که الا (= جز) تو نگیرد یاری

قید حرف اضافه متعم

۱۶- گزینه ۲ «گل» در هر سه مصراع «نهاد» است.

بررسی سایر گزینه‌ها:

۱ ترکیب‌های وصفی: ۱- این راه ۲- راه پر از خار ۳- این همه

خارها ۴- این زودی / اضافه تشبیهی: باغ جمال

۳ مصراع‌های اول، دوم و چهارم به شیوه بلاغی و مصراع سوم به

شیوه عادی است.

۴ این شعر از پنج جمله تشکیل شده که اجزای سازنده هر یک

را می‌گوییم:

جمله‌های سه جزئی:

جمله اول: نهاد + مسند + فعل / جمله دوم و سوم: نهاد + مفعول + فعل

جمله‌های دو جزئی:

جمله چهارم و پنجم: نهاد + فعل

در ۴ نوع نگاه طراح به جمله و اجزای سازنده آن، منطبق با کتاب درسی

نظام قدیم است و این مبحث در کتاب‌های درسی نظام جدید وجود ندارد.

۱۷- گزینه ۲ شاعر در گزینه‌های ۱، ۲ و ۳ شور عشق

خود را توصیف کرده و در توصیف آن اغراق هم کرده است. ولی در

۴ شاعر از ایثار و فداکاری و بخشندگی خود سخن گفته است.

۱۰- گزینه ۲ با ایهام می‌توانیم ۲ و با ایهام تناسب ۳ را رد کنیم.

از بین گزینه‌های ۱ و ۴ آرایه استعاره مشترک است. بیت هم آشکارا

تشخیص دارد: صبح می‌خندد و می‌دانیم که هر تشخیصی استعاره است.

پس مجاز، تضاد، تشبیه، حس آمیزی و پارادوکس را بررسی می‌کنیم.

مجاز: دم را می‌توان مجاز از لحظه دانست. تضاد: تیره و صبح

تضاد مفهومی دارند. تشبیه: شگر خنده یعنی خنده‌ای مثل شکر /

حس آمیزی: شگر خنده یعنی خنده‌ای شیرین، پس حس آمیزی هم

داریم. پارادوکس: اگر روز تیره را نسبت دادن مفهوم تیرگی و سیاهی به

مفهوم روشنی روز بگیریم، می‌توانیم پارادوکس را هم در بیت شناسایی کنیم.

### نکته

اگر پارادوکس وجود داشته باشد حتماً تضاد هم در بیت وجود دارد.

بنابراین پاسخ این تست هم ۱ و هم ۴ می‌تواند باشد.

۱ هم می‌تواند پاسخ تست باشد.

۱۱- گزینه ۱ در این بیت ایهام وجود ندارد. اسلوب معادله:

مصراع دوم مثالی برای مصراع اول است و دو مصراع هیچ وابستگی

نحوی و دستوری با هم ندارند: مزگان خونین (مرجان) چه سان گریه

ما (دریا) را نگه دارد؟

بررسی سایر گزینه‌ها:

۲ ایهام تناسب: سواد به معنای سیاهی زلف است ولی در معنای

چرک‌نویس و کاغذ سیاه‌شده و رونویسی‌شده با واژه‌های اصل و

مطابق تناسب دارد. کنایه: پهلو به چیزی زدن کنایه از ادعای

برابری با آن چیز را داشتن است.

۳ ایهام: «عزیز» در دو معنای ۱- عزیز مصر (اشاره به داستان

حضرت یوسف) ۲- فرد گرمی و محبوب یا بزرگوار در بیت قابل

جای‌گذاری است. استعاره: یوسف استعاره مصرّحه از سخن زیبا و

نغز است. کاروان هم می‌تواند استعاره از طبع و قریحه شاعر باشد.

۴ مجاز: قندح (کاسه بزرگ شراب) مجاز از شراب است؛ گدای قندح

یعنی کسی که شراب‌گدایی می‌کند. تشبیه: تخم طمع (اضافه

تشبیهی) - زردرویی را به بار و محصول و میوه تشبیه کرده است. -

زکات رنگ (اضافه تشبیهی): رنگ به زکات تشبیه شده است.

۱۲- گزینه ۳ فعل‌های «نشستم»، «آیی» و «نمی‌گنجی»

مفعول‌پذیر نیستند، بنابراین «ب» و «ج» را بررسی نمی‌کنیم.

اما جمله‌های دارای «نهاد، مفعول، فعل»:

۱- آن پی مهر تو گیرد

نهاد مفعول فعل

۲- [او] پی خویشش [را] نگیرد.

نهاد مفعول فعل

۳- [او] [کسی را] دوست دارد.

نهاد مفعول فعل

۴- داری دوستش = [تو] او را دوست داری

نهاد مفعول فعل

۱۳- گزینه ۲ در این گزینه چهار وابسته وابسته وجود دارد:

۱- آینه‌دار روی او

۲- تاج خورشید بلند

مضاف‌الیه مضاف‌الیه

صفت مضاف‌الیه

۲۳- گزینه ۳ مفهوم بیت سؤال این است که ما گله‌ای از بیگانه نداریم، چرا که مشکل اصلی در خود ماست و ایراد در اصل قضیه است؛ این مفهوم از بین ابیات فقط به مفهوم ۳ نزدیک است. مفهوم ۳ همه حرف‌هایی که زدم بیهوده بود، چرا که مسئله از اساس و پایه مشکل داشت (آب از سرچشمه گل آلود است). می‌توانیم بین بیت سؤال و ۳ این مضمون مشترک را در نظر بگیریم: ایراد پایه‌ای و اساسی است و باید ریشه‌ای به دنبال مشکل گشت. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ وقتی آب از سر گذشته است، چاره‌ای جز گریستن نیست.

۲ آب از سرم گذشته است و دیگر مدارا شایسته نیست.

۴ سختی و غم سبب بهره‌مندی و زندگی است.

۲۴- گزینه ۱ مفهوم مشترک بیت سؤال و ۱ ناپایداری و زوال‌پذیری حسن گل (زیبایی‌های مادی) است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲ برتری حسن معشوق بر همه زیبایی‌ها

۳ تحمل سختی‌ها سبب بهره‌مندی و ارزشمندی است. / حسرت بر گذشته

۴ جلوه‌گری و خنده معشوق سبب خیال و سوای عاشق است.

۲۵- گزینه ۲ در بیت سؤال شاعر می‌گوید: عقل سبب می‌شود، عاقلان سخن‌گفتن را محدود کنند و کم سخن بگویند و گرنه انسان مجنون با در و دیوار هم سخن می‌گوید. این بیت را از دو دیدگاه می‌توان بررسی کرد:

۱- اگر به عقل مثبت نگاه کنیم و فضای شعر را تعلیمی فرض کنیم، به این برداشت می‌رسیم: عقل سبب می‌شود، عاقل گزیده‌گو و پرورده‌گو باشد و برای همین است که کم سخن می‌گوید.

۲- اگر عقل را منفی بدانیم و با دید غنایی به بیت نظر کنیم: عقل است که توان سخن‌گفتن را از عاقل گرفته است. اگر می‌خواهی حرفی برای گفتن داشته باشی، دیوانه و عاشق شو.

از میان ابیات، ۲ با برداشت نخست ما از بیت تناسب دارد و از این نظر می‌توانیم ۲ را که پرورده‌گویی مفهوم اصلی آن است برای پاسخ انتخاب کنیم.

۱۸- گزینه ۲ مفهوم مشترک عبارت سؤال و ۲ مناعت طبع و بلندنظری و بی‌اهمیت دانستن دارایی دنیا و قناعت است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ سخن بی‌ارزش خریدار ندارد (بیت از خاقانی است در هجو رشیدالدین وطواط، و در این بیت به او می‌گوید: اگر هزاران کالا از این نوع سخن داشته باشی، چه‌طور می‌توانی دیگران را بفریبی که خریدار کلامت شوند؟)

۲ نباید به دنبال خوشی کوتاه‌مدتی باشیم که رنج بسیار در پی دارد. برای یک لحظه راحتی، رنج زیاد را تحمل نکن که لذت شب‌نشینی و شراب به خمار صبحگاهی نمی‌ارزد.

۴ خدمت در درگاه ممدوح مایه افتخار شاعر است.

۱۹- گزینه ۲ در ۲ مفهوم اصلی پندناپذیری عاشق است و شاعر می‌گوید: ای نصیحت‌گو اگر عاقلی، سخن خود را هدر نده، زیرا من مستم و نصیحت نمی‌پذیرم.

۲۰- گزینه ۱ در ۱ همانند عبارت سؤال مفهوم خودحسابی دیده می‌شود: کسی که رفتار و اعمال خود را در این دنیا بسنجد و خود را محک بزند، در بازار قیامت با خیال راحت می‌تواند اعمالش را مانند زر خالص عرضه کند. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۲ در آفریده‌های خداوند، مثل گل می‌توان اثبات وجود قیامت را دید. (منظور شاعر تولد، مرگ و زنده‌شدن دوباره است.)

۳ نکوهش زراندوزی (کسی که زراندوزی می‌کند مانند قارون گرفتار عذاب الهی می‌شود).

۴ کسی که اهل طاعت و کسب رزق حلال و صداقت باشد در قیامت از دیگران پیشی می‌گیرد.

۲۱- گزینه ۲ مفهوم مشترک بیت سؤال و ۴ بازگشت به اصل است. مفهوم سایر گزینه‌ها:

۱ فرع باید از اصل خود آگاهی داشته باشد.

۲ در هر فرعی اصل را می‌توان دید. (وحدت وجود)

۳ اصل همواره در جست‌وجوی فرع خویش است.

۲۲- گزینه ۲ در گزینه‌های ۱، ۳ و ۴ همانند بیت سؤال مفهوم اصلی قطع تعلق از مادیات و گذشتن از خود و فناشدن برای رسیدن به بقا است. اما در ۲ شاعر می‌گوید: اگر در هجران پر و بالم نمی‌سوخت به سوی وصل تو پر می‌کشیدم.